

رابطه کیفیت استفاده از فضای مجازی و طلاق عاطفی با واسطه مرزهای خانواده و رضایت زناشویی

The relationship between the quality of the use of virtual space and emotional divorce through the mediation of family boundaries and marital satisfaction

Amir Mahdizadeh

امیرمهدی زاده^۱

Abstract

The present study is organized with the aim of investigating the relationship between the quality of using virtual space and emotional divorce with the mediators of family boundaries and marital satisfaction. The research method, is descriptive-correlational and the statistical population includes married Iranian men and women who have been married for at least 5 years. The number of samples includes 144 people who were selected by available sampling method. The research tools include 1) Houshyari Family Boundaries Questionnaire; 2) Jodeyri Marital Satisfaction Questionnaire; 3) Abdi emotional divorce questionnaire; 4 Saforaei and Taghiyan's virtual space questionnaire. The main finding of the research shows that the three variables of inappropriate use of virtual space, family boundaries and marital satisfaction predict 36% of the variance of emotional divorce through the tested path. This means that improper use of virtual space causes damage to family boundaries, and damage to family boundaries causes a decrease in marital satisfaction, and as a result, a decrease in marital satisfaction causes emotional divorce in couples. Training on the optimal and appropriate use of virtual space is effective in preventing family damage in the dimensions of border structure and marital satisfaction, and prevents emotional and legal divorce.

Key words: divorce, marital satisfaction, emotional divorce, virtual space, family boundaries.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه کیفیت استفاده از فضای مجازی و طلاق عاطفی با واسطه‌های مرزهای خانواده و رضایت زناشویی سامان یافته است. این پژوهش از لحاظ روش تحقیق، توصیفی-همبستگی و جامعه آماری شامل زنان و مردان ایرانی متأهلی است که حداقل ۵ سال از ازدواجشان گذشته است. تعداد نمونه شامل ۱۴۴ نفر می‌باشد که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده‌اند. ابزار پژوهش شامل (۱) پرسشنامه مرزهای خانواده هوشیاری؛ (۲) پرسشنامه رضایت زناشویی جدیری؛ (۳) پرسشنامه طلاق عاطفی عبدی؛ (۴) پرسشنامه فضای مجازی صفورایی و تقییان می‌باشد. یافته اصلی پژوهش نشان می‌دهد که سه متغیر استفاده نامناسب از فضای مجازی، مرزهای خانواده و رضایت زناشویی از طریق مسیر آزمون شده ۳۶ درصد واریانس طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کند. این بدین معناست که استفاده نادرست از فضای مجازی سبب آسیب به مرزهای خانواده می‌شود و آسیب به مرزهای خانواده موجب کاهش رضایت زناشویی و نتیجه کاهش رضایت زناشویی سبب ساز طلاق عاطفی در زوجین است. آموزش بهره‌بردارانه بهینه، به جا و مناسب از فضای مجازی در جلوگیری از آسیب خانواده در ابعاد ساختار مرزی و رضایت زناشویی مؤثر می‌باشد و از طلاق عاطفی و قانونی پیش‌گیری می‌نماید.

فضای مجازی، مرزهای خانواده

۱. دانش‌پژوه دکتری قرآن و روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلام، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

amirmahdizeh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۷

1. PhD student in Quran and Psychology, Faculty of Islamic humanities and social sciences, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. amirmahdizeh@yahoo.com

مقدمه

اینترنت همچون خون در رگ‌های جهان پیرامون ما جریان پیدا کرده است و شبکه‌های مجازی به دلیل استفاده آسان و گسترده، به عنوان یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر رضایت زناشویی، طلاق عاطفی و مرزهای خانواده به شمار می‌آید؛ به طوری که دگرگونی‌هایی در الگوی ارتباطات بین فردی، روابط اجتماعی و نیز خانوادگی ایجاد کرده است. استفاده از شبکه‌های مجازی هر روز گسترش بیش‌تری یافته و مایه کاهش روابط رودروی زوجین شده است (جعفری، زاری، یاراحمدی، ۱۳۹۸: ۴۱). به گونه‌ای که رسانه‌های اجتماعی نوین بخش برجسته‌ای از زندگی روزانه مان شده است (حاج محمدی و حاج محمدی، ۱۳۹۷: ۶۷). فضای مجازی، نماد جامعه شبکه‌ای است که در سطحی گسترده در جامعه جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از سوی دیگر خانواده به عنوان یکی از این ساختارها با داشتن پایگاه و جایگاه خاص و مرزهای مشخص که شامل مجموعه‌ای از نقش‌ها و روابط میان آن‌ها است (وحید و نیازی، ۱۳۸۳: ۲۵)، روابط بین زوجین به عنوان عمیق‌ترین و طولانی‌ترین نوع این روابط از این قاعده مستثنا نمانده است و دست‌خوش تغییرات حاصل از فضای مجازی گردیده است. یکی از ساختارهای اساسی که در روابط خانواده دچار دگرگونی گردیده است، تغییر و جابجایی در مرزهای خانواده است. مرزهای خانواده در رویکرد ساخت‌نگر، خطوط نامرئی و فرضی هستند که بر اساس اصول، قوانین و نقش‌های توافقی، کیفیت و کمیت عضویت و تعامل افراد در منظومه خانواده و زیر منظومه‌های آن را مشخص و افراد و زیر منظومه‌ها را از یکدیگر جدا می‌کند (تبریزی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۹). این زیر منظومه‌ها هر یک نقش خاص خود را دارند که منجر به ایجاد مرزهایی بین آن‌ها شده است. زیر منظومه‌های بنیادی خانواده عبارت‌اند از: «زیر منظومه همسران»، «زیر منظومه والدین - فرزندان» و «زیر منظومه برادر و خواهر» (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۹۸۰: ص ۳۸). در این میان استفاده از اینترنت و به ویژه شبکه‌های اجتماعی به رغم کاربردهای مفیدی که دارد، سبب دوری اعضای خانواده از یکدیگر، عدم رعایت مرزهای بیرونی نظیر تعامل عاطفی آسان با غیر همجنس و خلوت داشتن با آن، ترویج عشق‌های مجازی، قراردادن خود در معرض نگاه هوس‌آلود، عدم حفظ حریم فیزیکی و مرزهای درونی نظیر تضعیف نقش خانواده به منزله مرجع، کاهش ارتباط والدین با فرزندان، بی‌اعتمادی زوجین به یکدیگر، دروغ‌گویی، افزایش فاصله عاطفی و روحی زوجین و اعضای خانواده از یکدیگر، افزایش طلاق

و هنجارشکنی های اخلاقی، بی توجهی به مسئولیت ها، تضعیف ارزش های اخلاقی و افزایش ارتباطات نامشروع را فراهم ساخته است (حاج محمدی و حاج محمدی، ۱۳۹۶: ۲۰۹). به گونه ای که به رغم نزدیکی فیزیکی در داخل خانواده، گاه فاصله عاطفی و معنوی زیادی را از یکدیگر تجربه می کنند و افراد خانواده کم ترین مرادوات و گفت و گوی هم دلانه را با هم دارند (دهقان و مروت، ۱۳۹۷). عربی (۱۳۹۶: ۶۱) در پژوهش خود بیان می کند که استفاده نادرست از فضای مجازی موجب سست شدن بنیاد خانواده ها و طلاق عاطفی زوجین و کم رنگ شدن صمیمیت میان اعضای خانواده و همچنین گسترش شکاف نسلی را فراهم کرده است. رضایی (۱۳۹۹) در پژوهش خود اظهار می دارد، اینترنت و فضای مجازی به تدریج فضای روانی و مرزهای داخل خانواده را خدشه دار می کند و اعضای خانواده را به واگرایی سوق می دهد. در پژوهش شجاعی جوشقانی و همکاران (۱۳۹۷) آسیب های بین فردی برآمده از حضور فرد در فضای مجازی عبارتند از: عبور از مرز تعهد جنسی و به وجود آمدن مشکلات جنسی، خطاهای شناختی در رابطه جنسی با همسر، هرزه نگاری و تغییر ذائقه جنسی. این پژوهش به افت عملکرد ارتباط زوجین و فرزندان، کاهش مدیریت و ضابطه مندی در ارتباط ها، گسترش دوستی ها و روابط مجازی به روابط واقعی تحت عناوین دوست اجتماعی یا خواهر/ برادر خوانده، غفلت از رسیدگی به همسر و خانواده و تغییر در منش مذهبی به عنوان آسیب های بهره برداری نامناسب اشاره کرده است. یکی دیگر از مشکلات عمده بین فردی، شکل گیری و گسترش روابط فرازناشویی برخط است که شامل مسائل و مقوله های مختلفی مانند اغواگری جنسی سایبری، تغییر ساختار و مرزهای زوجین و از بین رفتن اعتماد می باشد. منابع دینی در این باره به اصلی ترین عنصر فضای مجازی، یعنی خلوت نامناسب و پنهانی با نامحرم توجه نموده و آن را شیطانی (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ۱۵۴) و سبب گناه و فریب فرد دانسته اند (مغربی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۱۴؛ محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴: ۲۵۶).

مردم سراسر جهان، زندگی خانوادگی را مهم ترین جنبه زندگی خود می دانند. گزارش کمیسیون اروپا نشان می دهد ۹۶ درصد مردم اتحادیه اروپا، زندگی خانوادگی را ارزشمندترین جنبه زندگی خود می دانند (برناردز، ۱۳۸۴: ۱۵). آسیب به مرزهای خانواده یکی از مهم ترین آسیب های خانوادگی و فاجعه بارترین رویدادهایی است که فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی را به بار می آورد و آثار آن گاهی تا سال ها باقی خواهد ماند (موسایی، توسلی و مهرآرا،

۲۰۱۱: به نقل از نریمانی و همکاران، ۱۳۹۷). در ساختار مرزی خانواده، «زیر منظومه همسران» شاه کلید ثبات خانواده و مهم‌ترین سامانه فرعی آن است که زیر منظومه والدین و فرزندان و برادران-خواهران براساس تعامل‌های والدین و فرزندان در خانواده شکل می‌گیرد (گلدن برگ و گلدن برگ، ۱۹۸۰: ۴۸). زمانی که به مرزهای درونی زوجینی بر اثر تخریب ارتباطات کلامی، گسست عاطفی، خلوت با نامحرم، عدم حفظ و صیانت هنجارها در رابطه زوجین، عدم رعایت نقش‌ها و وظایف زوجین نسبت به یکدیگر، شکل‌گیری رابطه‌های عاطفی یا جنسی فرازنشویی آسیب وارد آید، نتیجه‌ای جزء کاهش رضامندی زناشویی^۱ را به بار نخواهد آورد (شجاعی جوشقانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۰۵؛ ستوده، ۱۳۸۴). رضامندی زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و با هم بودن احساس شادمانی و رضایت دارند (توکل و بهبودی مقدم، ۱۳۹۵: ۷-۳). در مطالعه مروری بر ۸۰ مقاله بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ برای تعیین عوامل رضامندی به این نتیجه دست یافتند که از عوامل مؤثر بر رضامندی زناشویی، روابط جنسی سالم، متعهد بودن زوجین به یکدیگر، صمیمیت خانواده‌ها با یکدیگر، عدم مداخله آن‌ها و نیز پرهیز از روابط فرازنشویی است. این مطالعه نشان می‌دهد که رضامندی زناشویی بیش از هر عاملی تحت تأثیر مستقیم رعایت حد و مرزهای زوجی و خانوادگی است و با آن همبستگی دارد. گروه دیگری از پژوهش‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که میزان عشق و علاقه زوجین به یکدیگر، تعهد، وفاداری و احترام به روابط زناشویی، حمایت و پشتیبانی زوجین از هم‌دیگر، هم‌تایی ایمانی و اعتقادات مذهبی محکم زوجین، روابط کلامی همراه با احترام و آزادی اظهار نظر با میزان رضایت آن‌ها از زندگی زناشویی رابطه معنادار دارد (روزن‌گردن، مایرز و هایت، ۲۰۰۴: ۶۱). زارع و صفیاری جعفرآباد (۲۰۱۳: ۳۱) در مطالعه رابطه عوامل مؤثر بر میزان رضایت از زندگی زناشویی دریافتند که در بین مقیاس‌های رضایت زناشویی، پاسخ‌گویان از مقیاس حل تعارض کم‌ترین نمره را گرفته‌اند. این امر نشان‌دهنده این مسئله است که فقدان بهره‌مندی از مهارت‌های مربوط به حل تعارض مناسب، موجب می‌شود که زن و شوهر در مواقع نزاع و تعارض نتوانند راه‌کارهای مناسبی را اتخاذ کرده و مشکل خود را به‌طور مناسب و به‌دور از هرگونه درگیری و تنش برطرف کنند. در مواردی برخی از زوجین در رابطه خود الگوهای ارتباطی منفی مانند تحقیر و یا انتقاد را به‌کار می‌برند. بنابراین، الگوهای ارتباطی کلامی منفی و فقدان مهارت

1. Marital Satisfaction
2. Rosen-Grandon, Mayers, Hattie

حل تعارض، مرزهای روابط زوجین را دچار آسیب می‌کند و همین امر به مرور سبب کاهش رضامندی زناشویی خواهد شد. دین درباره حفظ حدود و حریم‌های زوجینی هشدار داده است و افراد را به رعایت آن امر نموده است. شماری از آموزه‌های دینی ناظر به کیفیت و کمیت تعاملات مردان و زنان با نامحرم در واقع تعیین‌کننده گستره، میزان و چگونگی تعامل با نامحرم است و در واقع تعیین می‌کنند که فرد تا چه حد می‌تواند با نامحرم تعامل داشته باشد و این مفهوم و کارکرد مرز است. نگاه عقیف (نور: ۳۰)، گفتار عقیف (احزاب: ۳۲) و کردار عقیف (نور: ۳۱) مرزهای سه‌گانه هستند که در قرآن کریم با واژگانی همچون حیا و عفت، تبرج (احزاب: ۳۳)، اتخاذ اخدان (نساء: ۲۵) بیان شده و مورد تأکید قرار گرفته است. عدم رعایت مرزهای تعامل با نامحرم، نابهنجار و موجب بروز جاذبه‌های بین زن و مرد نامحرم در بیرون از محیط خانواده یا فضای مجازی می‌شود (هوشیاری، ۱۳۹۹: ۱۴۱).

روابط زن و شوهر به منزله هسته اصلی خانواده، بر بسیاری از ابعاد حیات انسانی تأثیر دارد. چگونگی زندگی زناشویی می‌تواند بر رضایت یا نارضایتی فرد از زندگی، رضامندی یا نارضایتی شغلی، نحوه تربیت فرزندان و میزان موفقیت در امور مختلف زندگی تأثیر بگذارد (جدیری، ۱۳۸۸: ۳). زن و شوهر انتظار دارند زندگی‌شان با خوش‌بختی، سعادت و رضایت همراه باشد و از هر لحظه زندگی خود لذت ببرند. از این رو، مهم‌تر از خود ازدواج، موفقیت در ازدواج یا رضامندی در بین زوجین است (برادبری و همکاران، ۲۰۰۰). بنر و هیل (۱۹۹۹: ۷۴۹) رضامندی زناشویی را پیامد توافق زناشویی می‌دانند که رابطه مناسب بین زن و شوهر را توصیف می‌کند. بنابراین مسئله ازدواج و زناشویی یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین موضوعات مورد توجه جامعه بشری است (اپریسا و کریستیا، ۲۰۱۲). روابط مطلوب توأم با رضایت در درون خانواده به سازگاری مؤثر افراد در موقعیت‌های گوناگون یاری می‌رساند و از طرف دیگر تعارضات زناشویی، زمینه آسیب روانی را فراهم می‌کند (باقرزاده سکه و اسکندری، ۱۳۹۴). ادبیات زناشویی به طور گسترده، عوامل مؤثر در پیش‌بردن رفتارهای ارتباطی را مطالعه می‌کند (هامت، کاستاندا و یول، ۲۰۱۶).

آثار روانی اجتماعی ناسازگاری‌ها و اختلاف‌های زناشویی، به صورت افسردگی، احساس پوچی، ناامیدی و از خودبیگانگی تجربه می‌شود و روابط را به سوی طلاق عاطفی می‌کشاند. پل بوهانان^۲ طلاق عاطفی را اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی رو به زوالی

1. Bener, D.G & Hill, P.C
2. Bohannan, Pau

می‌داند که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود (بوهران، ۱۹۷۰، به نقل از اولسن و دفراين، ۲۰۰۶: ۴۴۹).

طلاق عاطفی که از علل اساسی تضعیف بنیان خانواده بوده و علت اصلی طلاق رسمی نیز به شمار می‌آید (صباغی، صالحی و مقدم‌زاده، ۱۳۹۶: ۲۹)، پدیده‌ای پنهان و ثبت نشده در زندگی شمار زیادی از همسران است که زن و شوهر با یکدیگر ارتباط صمیمی ندارند و نمی‌توانند درباره احساسات و عواطف خود با یکدیگر حرف بزنند و ارتباط زناشویی مناسبی هم ندارند (زمانی، احدی و عسکری، ۱۳۹۳: ۴۴؛ زهراکار، اسماعیلی، محسن‌زاده و هزاروسی، ۱۳۹۸: ۳۱). در مورد بررسی شرایط علی و میانجی طلاق عاطفی، نتایج پژوهش بستانی و همکاران نشان داد که طلاق عاطفی پدیده‌ای تک عاملی نیست، بلکه مجموعه‌ای از عوامل نظیر عدم تأمین نیاز عاطفی، بی‌توجهی مرد، مشکلات ارتباطی، تفکر و نگرش ناهماهنگ زن و مرد، عدم همدلی و همراه مرد با زن و غیره در پیوند با هم منجر به طلاق عاطفی می‌شوند (باستانی و همکاران، ۱۳۹۰). در پژوهش ترشیزی و همکاران (۱۳۹۷: ۴۴) دریافتند که بین رضایت زناشویی، طلاق عاطفی، کیفیت زندگی جنسی (که یکی از مولفه‌های رضایت زناشویی است) و طلاق عاطفی همبستگی منفی معنادار وجود دارد. ادبیات دینی در این باره به مؤلفه‌های گوناگون رضایت زناشویی مانند معاشرت نیکو (نساء: ۱۹)، ابراز علاقه (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۵: ۵۶۹؛ شعیری، ۱۳۶۳: ج ۲: ۷۷۲؛ حرّعاملی، ۱۴۰۹: ج ۲: ۲۳)، محبت و توجه کلامی و غیر کلام به هم دیگر (روم: ۲۱)، مدارا و نرمی در هر حال با یکدیگر (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ج ۳: ۵۵۶؛ ج ۴: ۳۹۲؛ ج ۵: ۵۸۳؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ج ۱: ۴۷۰؛ ج ۲: ۱۶۰۷؛ حرّعاملی، ۱۴۰۹: ج ۱: ۱۴؛ ح ۳)، خدمت به خانواده (شعیری، ۱۳۶۳: ۱۰۳)، تشویق به نرم‌خویی (کلینی، اصول الکافی، ج ۸: ۲۱۹) و پرهیز از درشتی کلامی و غیر کلامی، توجه به روابط جنسی (اسراء: ۲۳) اشاره نموده است که تنها بخشی از میزان توجه آیات و روایات به رضایت زناشویی را نمایان می‌کند و ناکامی عاطفی و جنسی (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۲: ۷۶)، بی‌توجهی به یکدیگر (کلینی، ج ۵: ۲۴) و استفاده از خشونت (همان، ج ۵: ۲۳۴) را از جمله عوامل طلاق عاطفی می‌داند (پسندیده، ۱۳۹۶: ۱۴۱). بدین منظور این پژوهش با هدف بررسی رابطه کیفیت استفاده از فضای مجازی و طلاق عاطفی با واسطه‌های مرزهای خانواده و رضایت زناشویی انجام شد.

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ روش تحقیق، توصیفی-همبستگی است که در پی مطالعه همبستگی میان دو متغیر و بررسی نقش میانجی دو متغیر در رابطه میان دو متغیر دیگر می‌باشد.

جامعه آماری این پژوهش، زنان و مردان ایرانی متأهلی است که حداقل ۵ سال از ازدواجشان گذشته باشد. با توجه به ماهیت همبستگی پژوهش، تعداد ۱۴۴ نفر به روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌های پژوهش از ۴ ابزار استفاده شده است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌گردد:

الف- پرسشنامه مرزهای خانواده هوشیاری: پرسشنامه ۱۶۴ سؤالی مرزهای خانواده که در سال ۱۳۹۹ توسط هوشیاری ساخته شده است، مقیاسی برای سنجش مرزهای خانواده بر اساس منابع اسلامی می‌باشد (هوشیاری، ۱۳۹۹). روایی ابزار با روش تحلیل عاملی تأییدی و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۷۵ و برای مرزهای عام، ۰/۸۸۴، برای مرزهای زوجینی، ۰/۹۲ و برای مرزهای والدینی، ۰/۹۲۵ و برای مرزهای خواهران- برادران، ۰/۷۸۹ و برای مرزهای بیرونی ۰/۷۶۱ محاسبه شد. نتایج تحلیل عاملی، تأیید کننده روایی سازه پرسشنامه و مرزهای خانواده است (هوشیاری، ۱۳۹۹: ۲۸۱).

ب- پرسشنامه رضایت زناشویی جدیری: پرسشنامه رضایت زناشویی با رویکرد اسلامی جدیری در سال ۱۳۹۶ ساخته شده است. این پرسشنامه دارای دو بخش شخصیتی و مهارت‌های زناشویی و پنجاه پرسش است. بخش مهارت‌های زناشویی دارای شش عامل ارتباط کلامی و غیرکلامی مثبت، ارتباط کلامی و غیرکلامی منفی، ارتباط جنسی، پای بندی مذهبی، رفت و آمد فامیلی و مدیریت مالی است. آلفای کرونباخ برای این بخش پرسشنامه برابر ۰/۷۸ است. بخش شخصیتی نیز دارای سه عامل روان آزرده خویی، همراه یا موافق و بدبین یا پارانویا گونه است. آلفای کرونباخ برای این بخش از پرسشنامه برابر با ۰/۹۰ است. نتایج تحلیل عوامل نیز روایی و ساختار عاملی مناسبی را برای آن نشان داده است (جدیری و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۶-۷).

ج- پرسشنامه طلاق عاطفی عبدی: این پرسشنامه توسط عبدی در سال ۱۳۹۲ ساخته و اعتباریابی شده است. پرسشنامه به صورت تک مؤلفه‌ای است و ۲۴ گویه دارد که آزمودنی باید یکی از پاسخ‌های (بله یا خیر) را انتخاب کند. به دو طریق می‌توان از تحلیل این پرسشنامه استفاده کرد: الف: تحلیل بر اساس مؤلفه پرسشنامه و ب: تحلیل بر اساس میزان نمره به دست آمده. برای محاسبه پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ برای سؤالات چند مقیاسی استفاده شد و ضریب پایایی آن با نمره ۰/۹۲۵ به تأیید رسید (عبدی، ۱۳۹۲).

د- پرسشنامه فضای مجازی: این پرسشنامه در سال ۱۳۹۹ توسط تقییان و صفورایی به منظور سنجش رفتارهای کاربران فضای مجازی که موجب آسیب به ساختار نظام خانواده می‌شود ساخته شد. پرسشنامه شامل ۱۳ سؤال است که ۱۰ سؤال آن کیفیت استفاده از فضای مجازی را می‌سنجد، یک سؤال برای سنجش میزان استفاده از فضای مجازی، یک سؤال برای سنجش شبکه‌های مجازی مورد استفاده و یک سؤال برای بررسی هدف استفاده کاربران از فضای مجازی طراحی شده است. روائی محتوایی پرسشنامه با بررسی اساتید مورد تأیید قرار گرفت. برای نمره‌گذاری سؤالات به گزینه‌های «هرگز، نمره ۱»، «برخی اوقات، نمره ۲»، «بیش تر اوقات، نمره ۳» و «همیشه، نمره ۴» اختصاص می‌یابد. نمره‌گذاری سؤالات ۵ و ۶ به صورت معکوس است. پایائی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۷۵ به دست آمد.

یافته‌ها

۵۳/۹ درصد (۷۹ نفر) از پاسخ‌گویان، مرد و ۶۵ نفر (۴۶/۱ درصد) زن بوده‌اند. میانگین سن پاسخ‌گویان ۴۰ سال با انحراف معیار ۵/۷۰ است. سن ۵/۷ درصد پاسخ‌گویان ۳۰ سال یا کم‌تر است. ۱۴/۲ درصد پاسخ‌گویان در بازه ۳۱ تا ۳۵ سال است. ۴۴ درصد پاسخ‌گویان در سن ۳۶ تا ۴۰ سال بوده‌اند. سن ۱۷ درصد پاسخ‌گویان بین ۴۱ تا ۴۵ سال است. ۱۶/۳ درصد نیز در بازه سنی ۴۶ تا ۵۰ سال بوده‌اند. ۲/۸ درصد نیز بیش‌تر از ۵۰ سال داشته‌اند. یک سوم پاسخ‌گویان دارای تحصیلات حوزوی بوده‌اند. ۲۲/۷ درصد نیز علاوه بر تحصیلات کلاسیک، تحصیلات حوزوی نیز داشته‌اند. سایرین (۴۴ درصد) دارای تحصیلات حوزوی نبوده‌اند. تحصیلات ۱۱/۳ درصد پاسخ‌گویان در حد دیپلم بوده است. تحصیلات ۵ درصد پاسخ‌گویان تا حد کاردانی است. پاسخ‌گوییانی که دارای تحصیلات کارشناسی یا سطح دو بوده‌اند، ۲۹/۸ درصد کل پاسخ‌گویان را تشکیل می‌دهند. پاسخ‌گویان با تحصیلات کارشناسی ارشد یا سطح سه، ۴۴ درصد از کل پاسخ‌گویان را شامل شده‌اند. ۹/۲ درصد پاسخ‌گویان نیز دارای تحصیلات سطح چهار یا دکتری بوده‌اند. میانگین مدت زمان تاهل پاسخ‌گویان ۱۷/۱ سال با انحراف معیار ۶/۴۷ است. ۱۴/۹ درصد پاسخ‌گویان اعلام کرده‌اند که کم‌تر از ۱۰ سال است که از ازدواجشان گذشته است. از تاهل ۳۱/۹ درصد پاسخ‌گویان بین ۱۱ تا ۱۵ سال گذشته است. افرادی که بین ۱۶ تا ۲۰ سال از ازدواجشان می‌گذرد ۲۷/۷ درصد کل پاسخ‌گویان را تشکیل داده‌اند. از ازدواج ۱۵/۶ درصد پاسخ‌گویان بین ۲۱ تا ۲۵ سال

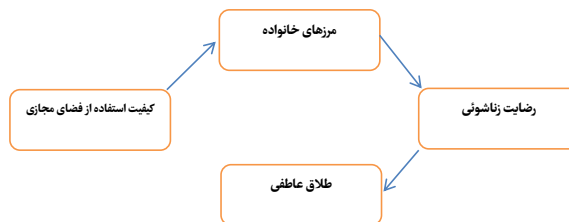
گذشته است. ۱۰ درصد پاسخ‌گویان نیز بیش‌تر از ۲۵ سال از ازدواجشان گذشته است. افرادی که فاقد فرزند بوده‌اند ۱/۴ درصد کل پاسخ‌گویان را تشکیل داده‌اند. ۴۵/۴ درصد پاسخ‌گویان دارای دو فرزند بوده‌اند. ۴۰/۴ درصد نیز دارای سه فرزند بوده‌اند. ۹/۲ درصد نیز چهار فرزند داشته‌اند. ۳/۵ درصد نیز پنج یا شش فرزند داشته‌اند. در خانواده‌های مورد بررسی ۹۵ درصد مردان و ۱۳/۵ درصد زنان شاغل بوده‌اند.

آمارهای توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای تحقیق

۳	۲	۱	انحراف معیار	میانگین	
		۱	۳/۸۹	۱۶/۹	استفاده نامناسب از فضای مجازی
	۱	-۰/۳۶۱**	۴۴/۱۲	۵۳۵/۹	مرزهای خانواده
۱	۰/۶۷۸**	-۰/۳۰۳**	۲۷/۵۲	۲۰۲/۳	رضایت زناشویی
-۰/۶۰۱**	-۰/۴۲۲**	۰/۲۶۸**	۵/۵۳	۲۷/۵	طلاق عاطفی

میانگین و انحراف معیار هر چهار متغیر تحقیق در جدول (۱) ارائه شده است. همبستگی بین همه متغیرهای تحقیق معنی‌دار است. استفاده نادرست از فضای مجازی با مرزهای خانواده و رضایت زناشویی رابطه منفی معنی‌داری دارد؛ به این معنا که هر چه میزان استفاده نادرست از فضای مجازی بیشتر باشد، آسیب بیشتر به مرزهای خانواده و رضایت زناشویی کم‌تر به وجود می‌آید؛ اما رابطه این متغیر با طلاق عاطفی، مثبت و معنی‌دار است. به این معنا که استفاده نادرست از فضای مجازی منجر به طلاق عاطفی می‌گردد. مرزهای خانواده با رضایت زناشویی رابطه مثبت معنی‌دار و با طلاق عاطفی رابطه منفی معنی‌دار دارد. رضایت زناشویی با طلاق عاطفی، منفی و معنی‌دار است.

به منظور بررسی مسیر استفاده نادرست از فضای مجازی تا طلاق عاطفی از مدل زیر استفاده شده است.

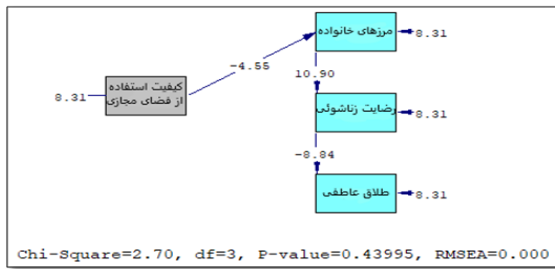


نمودار مسیر طلاق عاطفی از رضایت زناشویی، مرزهای خانواده و استفاده نامناسب از فضای مجازی

شاخص‌های برازش مدل فوق به صورت زیر است:

$$\frac{X^2}{df} = 0/99 \text{ و } RMSEA = 0/000, CFI = 0/99, IFI = 0/99, NNFI = 0/99, NFI = 0/98$$

شاخص‌های مذکور نشان می‌دهد که مدل از برازش مناسب برخوردار بوده و می‌توان از مدل مذکور برای پیش‌بینی طلاق عاطفی با استفاده از متغیرهای رضایت زناشویی، مرزهای خانواده و استفاده نامناسب از فضای مجازی استفاده نمود. نمودار (۱) مسیر مذکور را در حالت مقادیر t نشان می‌دهد.



نمودار مسیر طلاق عاطفی از رضایت زناشویی، مرزهای خانواده و استفاده نامناسب از فضای مجازی در حالت مقادیر t

جدول شماره (۲) ضرایب مسیر و اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد.

مسیرهای آزمون شده در نمودار مسیر

R ²	اثر کل		اثر غیرمستقیم		اثر مستقیم		متغیر برون‌زا	متغیر درون‌زا
	t	ضریب استاندارد	t	ضریب استاندارد	t	ضریب استاندارد		
0/۳۶	۳/۷۹	0/۱۵	۳/۷۹	0/۱۵	-	-	استفاده نامناسب از فضای مجازی	طلاق عاطفی
	-۶/۸۶	-0/۴۱	-۶/۸۶	-0/۴۱	-	-	مرزهای خانواده	
	-۴/۵۵	-0/۶	-	-	-۴/۵۵	-0/۶	رضایت زناشویی	
0/۴۶	-۴/۲۰	-0/۲۵	-۴/۲۰	-0/۲۵	-	-	استفاده نامناسب از فضای مجازی	رضایت زناشویی
	۱۰/۹۰	0/۶۸	-	-	۱۰/۹۰	0/۶۸	مرزهای خانواده	
0/۱۳	-۸/۸۴	-0/۳۶	-	-	-۸/۸۴	-0/۳۶	استفاده نامناسب از فضای مجازی	مرزهای خانواده

همان‌گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌شود سه متغیر استفاده نامناسب از فضای مجازی، مرزهای خانواده و رضایت زناشویی از طریق مسیر آزمون شده، ۳۶ درصد واریانس طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کند. اثر استفاده نامناسب از فضای مجازی بر طلاق عاطفی

مثبت است اما اثر مرزهای خانواده و رضایت زناشویی بر طلاق عاطفی منفی است. اثر متغیر استفاده نامناسب از فضای مجازی، بر رضایت زناشویی منفی و معنی دار است اما اثر مرزهای خانواده بر رضایت زناشویی مثبت و معنی دار است. دو متغیر برون زای استفاده نامناسب از فضای مجازی و مرزهای خانواده ۴۶ درصد از واریانس رضایت زناشویی را تبیین می‌کند. ۱۳ درصد واریانس مرزهای خانواده توسط متغیر استفاده نامناسب از فضای مجازی تبیین می‌شود. ارتباط این دو متغیر منفی و معنی دار است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه کیفیت استفاده از فضای مجازی و طلاق عاطفی با واسطه‌های مرزهای خانواده و رضایت زناشویی انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که بیش از یک سوم (۳۶ درصد) واریانس طلاق عاطفی از طریق مسیر آزمون شده توسط سه متغیر استفاده نامناسب از فضای مجازی، مرزهای خانواده و رضایت زناشویی پیش‌بینی پذیر است. معنای این یافته که اساس نگارش و تدوین این پژوهش عهده‌دار بررسی و تبیین آن بوده، این است که استفاده نادرست از فضای مجازی سبب ایجاد آسیب به مرزهای خانواده می‌شود؛ همان‌طور که آسیب به مرزهای خانواده موجب کاهش رضایت زناشویی می‌شود و نیز کاهش رضامندی زناشویی باعث ایجاد طلاق عاطفی در زوجین است. بنابراین پژوهش به سه یافته اصلی دست یافته است:

یافته اول آن که استفاده نادرست از فضای مجازی سبب آسیب به مرزهای خانواده می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش حاج‌محمدی و حاج‌محمدی (۱۳۹۶)، رضایی (۱۳۹۹)، عربی (۱۳۹۶)، ساروخانی و همکاران (۱۳۹۸)، شجاعی جوشقانی و همکاران (۱۳۹۷) هم‌خوان می‌باشد. این یافته ارتباط مستقیمی با مفهوم مرزهای خانواده و به ویژه زیر منظومه‌های بنیادی «همسران»، «والدین - فرزندان» و «برادر و خواهر» دارد. در این میان استفاده نامناسب از فضای مجازی، بیش از همه زیر منظومه همسران را که شامل تعهد خاص زناشویی، روابط جنسی، روابط کلامی، انتظارات دو سویه، فضای روانی - فیزیکی اختصاصی است، تحت تأثیر قرار داده و آسیب وارد می‌کند. یکی از راه‌های بررسی تأثیر و استفاده نامناسب از فضای مجازی بر ساختار مرزی خانواده، توصیف و شناخت کانال‌های ارتباطی از جمله شبکه‌های اجتماعی مجازی است که در درون آن مورد استفاده قرار می‌گیرند. بی‌عفتی، ترویج خیانت

و تقویت بی‌وفایی، تجمل‌گرایی، بی‌اعتنایی به فرزندان، بی‌احترامی نسبت به یکدیگر در خانواده، بی‌غیرتی و بی‌اعتنایی نسبت به حدود محارم، موضوعات مهمی است که به عنوان آموزه‌های مورد هدف این شبکه‌ها در حال برجسته‌سازی و بی‌اعتمادسازی است (دعاگویان و خیراندیش، ۱۳۹۹). همچنین روان‌شناسان معتقدند پیوند عاطفی که یکی از مؤلفه‌های خانواده‌های منسجم است که در اثر استمرار فضای گفت‌وگو و تبادل نظر میان اعضا شکل می‌گیرد، شبکه‌های اجتماعی مجازی به شکل‌های گوناگون، پیوندهای عاطفی در خانواده را آسیب می‌رسانند. پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهند هر اندازه ارتباط میان همسران کاهش یابد، پیوند عاطفی، هیجانی و نیز هم‌گونی شناختی میان اعضای خانواده نیز کاهش می‌یابد (ساروخانی و همکاران، ۱۳۹۷). این موضوع، انسجام خانواده را به خطر می‌اندازد. همچنین در تبیین بیش‌تر این یافته می‌توان گفت که کاربر فضای مجازی وقت زیادی را صرف استفاده از این رسانه می‌کند و تمام گفت‌وگوهای زوجی، خانوادگی و روابط عاطفی را از دست می‌دهد و خود را با افراد خانواده بیگانه احساس می‌کند؛ در نتیجه خانواده از رسیدن به اهداف مورد نظر دور می‌شود. همچنین شبکه‌های مجازی، میزان دین‌داری در زوجین را کاهش می‌دهد و با کاهش دین‌داری در زوجین، نظام مرزی خانواده آسیب می‌بیند (قنبری برزبان و درویشی، ۱۳۹۵). یکی دیگر از عوامل موثر در آسیب به مرزهای خانواده، این است که فضای مجازی از عوامل مهمی است که توقعات و انتظارات افراد را از طریق ایجاد و تشدید باورهای غیر منطقی نظیر وجود افکار، اندیشه‌ها و عقایدی با محتوای اجبار، الزام، وظیفه و مطلق‌گرایی به شکل افراطی (صالح‌پور و همکاران، ۱۳۹۸) نسبت به همسر به طور فزاینده‌ای افزایش می‌دهد.

یافته دوم آن که آسیب به مرزهای خانواده، سبب کاهش رضایت زناشویی می‌گردد. این یافته با پژوهش توکل و بهبودی مقدم (۱۳۹۵)، زارع و صفیاری جعفرآباد (۱۳۹۴) روزن‌گاردن و همکاران (۲۰۰۴) سازگار است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که رضایت زناشویی از مؤلفه‌هایی نظیر ارتباط کلامی و غیرکلامی مثبت و منفی، رابطه جنسی، پای‌بندی مذهبی، رفت و آمد فامیلی و مدیریت مالی، اوقات فراغت و فرزندپروری تشکیل یافته است. بنابراین ایجاد اختلال در مرزهای خانواده به این معناست که تعهد زناشویی، روابط جنسی، روابط عاطفی، انتظارات دو سویه، فضای روانی - فیزیکی اختصاصی که از مرزهای مهم زوجینی است، تحت تأثیر قرار می‌گیرد. هنگامی که رابطه عاطفی - جنسی زوجین آسیب ببیند و ابراز عاطفه و محبت و

توجه به نیازهای اساسی همسر به حداقل برسد و هم زمان با افزایش توقعات و انتظارات زوجین از یکدیگر نیز مواجه شویم، نحوه ایفای مسئولیت همسری، والدینی و الگوی مسئولیت پذیری آن در زندگی مشترک تغییر خواهد کرد و حمایت و قدردانی از یکدیگر و رعایت حد و حدود و پای بندی به مرزهای همسری جای خود را به کناره گیری جنسی و عاطفی می دهد و استقرار هر میزان از این الگو چیزی جز کاهش رضایت زناشویی را در پی نخواهد داشت. همان گونه که در بسیاری از پژوهش ها (شجاعی جوشقانی و همکاران، ۱۳۹۷؛ کمال جو و همکاران، ۱۳۹۵) و نظریه ها (فروم، ۱۳۸۹؛ مازلو، ۱۳۷۲) می توان رد پای این تحلیل را به خوبی یافت. همچنین در تبیین احتمالی نحوه تاثیر مرزهای خانواده بر رضایت زناشویی می توان گفت که عملکرد مثبت خانواده توانایی در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارضات، همبستگی بین اعضا و موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده است؛ لذا انجام درست نقش ها و تکالیف زناشویی برای عملکرد خانواده حیاتی است و هرگونه تغییر و یا نابسامانی در روابط زوج ها می تواند عملکرد کل سیستم خانواده را تحت تاثیر قرار دهد (مینوجین، ۱۹۷۴). در خانواده های دارای عملکرد مناسب، حل مسأله به طور مناسب اتفاق می افتد، نقش ها و مسئولیت ها روشن، واضح و انعطاف پذیر هستند، ارتباطات مستقیم بوده و ارتباطات کلامی با علایم چهره و زبان همخوان است، همراه عاطفی و نظارت مناسب وجود دارد، تعارض ها مطرح و حل و فصل می شود (بارکر و چانگ، ۲۰۱۳: ۲۳). از این رو می توان گفت که هر قدر زوجین در هر یک از ابعاد عملکرد خانواده کارآمدتر عمل کنند، رابطه بهتر و منسجم تری را تجربه خواهند کرد که این امر خود باعث کاهش تعارض های زناشویی و در نتیجه افزایش رضایت زناشویی می شود.

یافته سوم آن که کاهش رضامندی زناشویی باعث ایجاد طلاق عاطفی در زوجین است. این یافته تأییدهای زیادی در پژوهش های انجام گرفته پژوهش گران در زمینه آسیب های خانواده دارد که پژوهش ترشیزی و همکاران (۱۳۹۷)؛ باستانی و همکاران (۱۳۸۹)؛ زمانی و همکاران (۱۳۹۳) زهراکار و همکاران (۱۳۹۸)؛ صادق مزجی و صائمی (۱۳۹۶)؛ خان محمدی و همکاران (۱۳۹۷) از جمله آن هاست. در تبیین این یافته باید گفت که مستقیم ترین اثر کاهش رضامندی زناشویی، افزایش احتمال طلاق عاطفی است که خود نتیجه مشکلات ارتباط زناشویی و فقر عاطفی ناشی از فرسایش عاطفی است (محمدزاده و همکاران، ۱۳۸۹). رضایت زناشویی می تواند پیش بینی

کننده پایداری و ناپایداری یک رابطه باشد. این که چرا رضایت مندی در زندگی زناشویی نقش مهمی را بر عهده دارد، باید گفت که احساس افراد درباره جنبه‌های زندگی شان و کیفیت آن‌ها با روابط خانوادگی، عاشقانه، دوستانه و صمیمی ارتباط دو سویه وجود دارد (جعفری، زاری و یاراحمدی، ۱۳۹۸). برای این که به مکانیزم اثر کاهش رضامندی زناشویی بر ایجاد طلاق عاطفی نگاه دقیق‌تری شود، باید اثر عوامل رضامندی بر طلاق عاطفی بررسی گردد. بنابراین در تبیین دقیق‌تر و جزئی‌تر این یافته می‌توان گفت مؤلفه‌های موضوعات شخصیتی، ارتباط کلامی و غیرکلامی، حل تعارض، رابطه جنسی، پای بندی مذهبی و رفت و آمد فامیلی پیش‌بینی کننده‌های قوی برای طلاق عاطفی هستند. از مؤلفه‌هایی که احتمال طلاق عاطفی را زیاد می‌کند، ارتباط زناشویی و حل تعارض است. به این معنی که بسیاری از زوجین که دچار مشکلات زناشویی و ارتباطی هستند، از استراتژی‌های معیوب ارتباطی استفاده می‌کنند و قادر به حل مشکلات خود نیستند. همچنین مؤلفه رضایت جنسی به طور معکوس پیش‌بینی کننده قوی برای طلاق عاطفی است (صائمی و صادق مزجی، ۱۳۹۶). این تحلیل مورد تأکید پژوهش‌های برزیناک (۲۰۱۴)؛ نیکولز (۲۰۱۵)؛ بایرز (۲۰۱۱) نیز قرار گرفته است. در این پژوهش‌ها عدم رضایت جنسی به عنوان عامل مهمی در پیش‌بینی طلاق عاطفی عنوان شده است. بنابراین لازمه داشتن روابط جنسی مطلوب در هر سنی، داشتن رابطه عاطفی قوی با همسر و همچنین داشتن مهارت‌هایی است که قابل آموزش است که متأسفانه بسیاری از افراد در این زمینه آموزش‌های لازم را دریافت نمی‌کنند. همچنین مؤلفه‌های ویژگی شخصیتی در پرسشنامه رضایت زناشویی، شخصیت همراه یا موافق و شخصیت بدبین یا پارانویاگونه از ویژگی‌هایی است که در تعامل فرد با دیگران و به ویژه همسر نمایان‌گر است. اگر فردی بدبین یا مخالف باشد، ارتباط با وی دچار سختی خواهد شد و منجر به طلاق عاطفی می‌گردد؛ زیرا با هر افت و خیزی دچار تعارض با همسر خواهد شد و از آن جا که بدبین و مخالف است، به دنبال حل تعارض نخواهد بود و روابطش با همسر را به سردی عاطفی یا طلاق عاطفی می‌کشاند. بنابراین مسأله ارتباط اعم از جنسی و عاطفی به مانند نخ تسییحی است که در بیش‌تر مؤلفه‌های رضایت زناشویی حضوری پررنگ دارد و به مثابه ریلی عمل می‌کند که اگر به خوبی جانمایی شده باشد، رضایت مندی را در پی دارد و اگر جانمایی مناسب، صحیح و منطبق با اصول علمی نشده باشد، طلاق عاطفی را به بار خواهد آورد.

به طور کل می توان گفت که فضای مجازی اثر تخریب کننده سلسله واری بر روی مرزهای خانواده به ویژه مرزهای زوجینی نظیر تعهد خاص زناشویی، تعامل های جنسی و غیر جنسی، حریم روانی خصوصی و حدود و انتظارات دوسویه (صبغی و همکاران، ۱۳۹۵؛ فریبرز و همکاران، ۱۳۹۸) و رضامندی زناشویی در مولفه های گوناگون مانند ارتباط کلامی و غیرکلامی، ارتباط جنسی، پای بندی مذهبی، رفت و آمد فامیلی، روان آزرده خوبی و بدبینی داشته (شجاعی جوشقانی و همکاران، ۱۳۹۷) و سرانجام این اثر بر متغیر طلاق عاطفی تأثیر نهاده و منجر به ایجاد طلاق عاطفی می گردد (اسلام زاده و همکاران، ۱۳۹۶).

طبق تحلیل های انجام شده، اثر استفاده نامناسب از فضای مجازی بر طلاق عاطفی مثبت است. به این معنا که استفاده نامناسب از این فضا، زوجین را به طلاق عاطفی نزدیک خواهد کرد. این یافته با پژوهش های بسیار زیادی هم خوان است (رضایی، ۱۳۹۹؛ عربی، ۱۳۹۶؛ حاج محمدی و حاج محمدی، ۱۳۹۶). به عنوان نمونه رضایی (۱۳۹۹) در پژوهش خود به این یافته رسیده است که بین استفاده آسیب زا از فضای مجازی با طلاق عاطفی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد و متغیر پیش بین، ۳۵ درصد واریانس را تبیین می کند. این یافته را می توان چنین تبیین کرد که با امکانات و گزینه های فراوانی که رسانه های عمومی از جمله اینترنت و فضای مجازی در اختیار افراد می گذارند، آنان دائماً با محرک های جدید و انواع مختلف رفتار آشنا می شوند. چنین فضایی هویت نامشخص و پیوسته متحولی را می آفریند، یعنی فضای مجازی یک صحنه اجتماعی است که فرد را در موقعیت های متنوع نقش ها و سبک های زندگی قرار می دهد و فرد از آن تأثیر می پذیرد و چیزهایی را تمنا و آرزو می کند که همسر وی کم تر از آن بهره برده است و همچنین نوعی تعامل و ارتباط را با کسی برقرار می کند که متحمل هیچ هزینه بر وی نخواهد بود و از طریق شرطی سازی مداوم تقویت شده؛ هر روز رو به افزایش خواهد بود و به عنوان جایگزین همسر در تعاملات وی نقش عمده ایفاء می کند (اسلام زاده و همکاران، ۱۳۹۶). وی تغییرات روان شناختی از لحاظ شناختی، احساسی و روانی را تجربه می کند. بدبینی، انتظار تصویر بدنی بسیار بالا از جهت زیبایی و خوش اندامی، افسردگی و انزوا طلبی، انتظارهای بالا در میزان علاقه مندی همسر نمونه هایی از این دست هستند (صمدی فرد و همکاران، ۱۳۹۵).

یافته های این پژوهش برای مسئولان، روان شناسان، مشاوران، پژوهش گران و برنامه ریزان

علاقه مند به مسائل سلامت روان در جامعه و خانواده‌ها در سطح گوناگون اجرایی، درمانی، آموزشی و پژوهشی کاربرد دارد. برای سطح اجرایی در برنامه ریزی صحیح، اصولی و پیش‌گیرانه؛ در زمینه فضای مجازی و خانواده در وضع قوانین و مقررات پیش‌گیرانه و سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان فرهنگی کاربرد بسیار خوبی دارد. سطح دیگر برای درمان‌گران و مشاوران خانواده است که می‌توانند با توجه به عوامل مهم ثبات یا عدم ثبات خانواده‌ها برای آگاهی بخشی لازم و درمان مناسب اقدام نمایند و فضای مجازی را از عوامل زمینه ساز و تدوام بخش تظاهرات اختلال‌های ساختاری خانواده و عدم رضایت زناشویی و مستعد برای طلاق عاطفی بدانند و همچنین برگزاری دوره‌های آموزشی توسط مشاوران برای آگاهی بخشیدن و ایجاد مهارت مدیریت هیجان در فضای مجازی برای گروه‌های گوناگون زوجین (در آستانه ازدواج، تازه مزدوجین و...) مورد تأکید است. همچنین برای پیش‌گیری از طلاق قانونی و طلاق عاطفی آموزش‌های لازم به خانواده‌ها ارائه و برای خانواده‌هایی که دچار تعارضات زناشویی هستند با مداخله‌های درمانی مناسب از طریق مراکز مشاوره به آن‌ها کمک شود تا مشکلات خود را حل و فصل نمایند. این پژوهش برای خانواده‌ها نیز مفید است. در این شرایط، خانواده‌ها، وظیفه‌ای سخت و دشوار پیش رو دارند و برای مقابله با این توطئه باید با تمام قوا، هوشیاری و استفاده بهینه از سرمایه‌های مادی و انسانی خود دست به کار شوند و به ایمن‌سازی خانواده خویش در برابر این امواج بپردازند. آگاه کردن خانواده به اهداف تبلیغاتی شبکه‌های اجتماعی، گامی اساسی در جهت پاس‌داری از هویت و ارزش‌های ملی و خانوادگی محسوب می‌شود. حفظ هوشیاری، کنترل و نظارت غیرمستقیم، غنی‌سازی روابط بین همسران و نیز والدین و فرزندان، آموزش آسیب‌های استفاده نامناسب از فضای مجازی به فرزندان و گوش‌زد کردن مداوم، محترمانه و خیرخواهانه به یکدیگر، گفت‌وگو درباره آسیب‌های فضای مجازی بین زوجین و حفظ هوش مندی نسبت به یکدیگر، برنامه ریزی و زمان‌بندی مشخص برای استفاده از فضای مجازی، خودداری از خلوت کردن به ویژه پنهانی، پرهیز از تنها گذاشتن افراد خانواده، مشغول شدن به فعالیت‌های مناسب و شادی بخش، پرهیز از استفاده فضای مجازی بعد از نیمه شب و نیز خودداری از بیداری هر یک از افراد خانواده در ساعات پایانی شب و استفاده از این فضا در کنار جمع خانواده از راه‌کارهای مناسب برای حفظ و پایداری خانواده است.

همچنین خویشتن داری یکی از راه‌کارهای اساسی است که به اعتقاد روان‌شناسان، در سطوح مختلف کاربرد دارد و امروزه تقریباً مشکلات شخصی، اجتماعی و اخلاقی افراد، مستلزم نوعی شکست در خویشتن داری تلقی می‌شود (بامیستر و دیگران، ۲۰۰۷: ۵۰۷). در سطح شخصی، افراد با خویشتن داری مناسب، قادر به پیش‌رفت در تحصیل و کار خواهند بود، با اجتناب از بیش‌هیجانی بودن در فضای مجازی، وضعیت متناسب خود را حفظ خواهند نمود (میبد و دیگران، ۲۰۱۰: ۲۷۶ به نقل از رفیعی هنر، ۱۳۹۳). در سطح اجتماعی و خانوادگی نیز پژوهش‌ها نشان می‌دهند که خویشتن داری مناسب، به افراد کمک می‌کند تا از تقلب، ارتکاب جرایم و رفتارهای جنسی نایمن، عدم مسئولیت‌پذیری، عدم رعایت حدود و مرزهای خانوادگی خودداری نمایند (میبد و دیگران، ۲۰۱۰: ۳۷۷). در بررسی‌های انجام شده در منابع اسلامی، خویشتن داری بر اساس مفهوم تقوا تبیین می‌گردد (رفیعی هنر، ۱۳۹۳: ۱۳). تقوا نیز در بررسی تحلیل‌های لغوی (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶: ۱۳۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۴۰۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۸۱) و تبیین مفسران (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۸۸) آیات (برای نمونه اعراف: ۲۶؛ بقره: ۱۹۷؛ نحل: ۲۸؛ آل عمران: ۱۳۳-۱۳۶ و هود: ۴۹) و روایات (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۶۸، کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۳۰) کنترل و مهار نفس است (به نقل از رفیعی هنر، ۱۳۹۳). بنابراین می‌توان گفت خویشتن داری از عوامل مهم و راه‌کاری مناسب برای کنترل همسران و فرزندان در فضای مجازی و عاملی مهم برای رعایت حقوق و حفظ مرزها و جلوگیری از طلاق عاطفی به شمار می‌آید که مصادیقی همچون توجه به همسر، کنترل خشم، کنترل هیجان‌های جنسی به ویژه در فضای مجازی (علی و همکاران، ۱۳۹۱؛ صفاری و همکاران، ۱۳۹۱، به نقل از مهدیزاده و همکاران، ۱۳۹۶)، مسائل اخلاقی و اجتناب از گناهان را در بر می‌گیرد.

یکی دیگر از راه‌کارهای مناسب برای جلوگیری از آسیب‌های فضای مجازی تقویت و آموزش «ارتباط مثبت» است. ارتباط مثبت با همسر و سایر افراد مشتمل بر مفهوم تواضع، مهربانی و خوش‌برخوردی است که با مفهوم علاقه اجتماعی^۱ آدلر قرابت بسیاری دارد که برجسته‌ترین مفهوم در روان‌شناسی فردی آدلر برای تبیین سبک زندگی به حساب می‌آید (اکستین و کرن، ۲۰۰۲). مفهومی که کارسون و بوچر (۱۹۹۲)^۲ در تبیین آن این‌گونه بیان می‌دارند که فرد دارای علاقه اجتماعی، متواضع، صادق و نوع دوست است و با دیگران با ادب و احترام برخورد می‌کند. از خودگذشته و علاقه‌مند به دیگران، مهربان و یاری‌دهنده است. همچنین

1. Social interest
2. Carson&Butcher

این راه‌کار در آیات (بقره: ۸۲؛ طه: ۴۴؛ نساء: ۸) و روایات بسیاری (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۶۴؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۲۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۴: ۳۹۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۴۰۴، ق، ج ۷۴: ۹) مورد سفارش است.

«خردورزی» تقویت تعقل و تفکر درباره آسیب‌های فضای مجازی و نیز عدم رعایت حقوق و مرزها نیز یکی دیگر از راه‌کارهای مناسب است که شواهد متعددی از آیات (نساء: ۲۶؛ انعام: ۳۲) و روایات (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۸۸، ح ۵۸۳۴؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۵: ۳۴۲، ح ۱۰۰۸۰) مؤید آن است.

نتایج این پژوهش برای پژوهش‌گران عرصه خانواده نیز مفید خواهد بود و کمک خواهد کرد تا گام‌های بعدی پژوهشی را استوارتر و با تعداد نمونه بیش‌تر و گروه‌های گوناگون پی‌گیری نمایند. این پژوهش جزء نخستین‌ها در زمینه تأثیر فضای مجازی در مرزهای خانواده است؛ لذا می‌توان در پژوهش‌های آینده در گروه‌های دیگری نظیر همسرانی که زیر پنج سال از ازدواج‌شان گذشته است، بررسی گردد و همچنین بررسی تفصیلی در مرزهای بیرونی، درونی (زوجینی، والدینی، برادران - خواهران) با تحلیل‌های اختصاصی و نیز با بهره‌از روش‌های کیفی تحقیق به انجام رسانند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم.
۱. ابراهیمی، سمیه؛ بنی فاطمه، حسین (۱۳۹۱). طلاق عاطفی و عوامل مرتبط با آن در شهرستان نقده، مطالعات جامعه‌شناسی، ۵(۱۷)، ۷-۲۲.
 ۲. احمدی، خدابخش و دیگران (۱۳۸۴). بررسی وضعیت ازدواج و سازگاری زناشویی در بین کارکنان سپاه، طب نظامی، ۲(۲)، ۱۵۲-۱۴۱.
 ۳. باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود؛ روشنی، شهره (۱۳۸۹). طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۳)، ۲۰-۱.
 ۴. پسندیده، عباس (۱۳۹۶). رضایت زناشویی، قم: نشر دارالحديث.
 ۵. تبریزی، مصطفی و همکاران (۱۳۸۹). فرهنگ توصیفی خانواده و خانواده درمانی. تهران: نشر فراوان.
 ۶. ترشیزی، مرضیه؛ شریف‌زاده، غلامرضا؛ سعیدی بازخانه، عشرت؛ دستجردی، رضا (۱۳۹۷). بررسی کیفیت زندگی جنسی و ارتباط آن با رضایت زناشویی و طلاق عاطفی در بیماران همودیالیزی بیرجند، مجله دانشگاه علوم پزشکی جیرفت، ۵(۲)، ۳۵-۴۵.
 ۷. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۳۶۶). تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۸. توکل، زینب؛ بهبودی مقدم، زهرا (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی مطالعه مروری، همایش آموزش و خدمات سلامت فرد، خانواده و جامعه. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. دانشکده پرستاری و مامایی. گروه سلامت جامعه و سالمندی.
 ۹. جدیری، جعفر؛ جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۸). ساخت و اعتباریابی مقیاس رضامندی زناشویی اسلامی، مجله مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۲(۴)، ۴۱-۷۰.
 ۱۰. جدیری، جعفر؛ فتحی آشتیانی، علی؛ موتابی، فرشته؛ حسن آبادی؛ حمیدرضا (۱۳۹۶). اثربخشی زوج درمانی با رویکرد اسلامی بر رضایت زناشویی، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۱(۲۰)، ۳۷-۷.
 ۱۱. جعفری، فاطمه؛ زارعی، فاطمه؛ یاراحمدی، سعید (۱۳۹۸). پیامدهای حضور در شبکه‌های اجتماعی آنلاین بر زندگی زوجین مطالعه کیفی، فصلنامه علمی پژوهشی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، ۱۷(۱)، ۳۰-۴۵.

۱۲. حیدری، مجتبی (۱۳۸۶). بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و رضایت از زندگی زناشویی؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۳. خان محمدی، ذبیح‌اله؛ بزازیان، سعیده؛ امیری مجد، مجتبی؛ قمری، محمد (۱۳۹۷). پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس نیازهای بنیادین روانشناختی، انتظارات زناشویی و عملکرد خانواده. روانشناسی خانواده، ۷(۷)، ۷۱-۹۳.
۱۴. دعاگویان، داوود؛ خیراندیش، محمدرضا (۱۳۹۹). تأثیر شبکه‌های اجتماعی تحت‌تلفن همراه در روابط اجتماعی خانواده‌های مناطق غربی تهران بزرگ، فصلنامه مطالعات حفاظت و امنیت اجتماعی، ۱۴(۴)، ۱۳۱-۱۵۶.
۱۵. دهقان، حسین؛ مروت، برزو (۱۳۹۷). بررسی رابطه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با روابط اجتماعی دانش‌آموزان، مجله علوم خبری، ۷(۲۵)، ۱۳۰-۱۰۳.
۱۶. رضایی، فاطمه (۱۳۹۹). بررسی رابطه استفاده آسیب‌زا از تلفن همراه و اعتیاد به اینترنت با طلاق عاطفی معلمان شهر کرمانشاه، رویش روان‌شناسی، ۹(۳)، ۶۹-۷۶.
۱۷. رفیعی هنر، حمید؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ پسندیده، عباس؛ رسول‌زاده طباطبایی، سید کاظم (۱۳۹۳). تبیین سازه خودمهارگری بر اساس اندیشه اسلامی، مجله روانشناسی و دین، ۷(۳)، ۲۶-۵.
۱۸. زارع، بیژن؛ صفیاری جعفرآباد، هاجر (۱۳۹۴). مطالعه رابطه عوامل مؤثر بر میزان رضایت از زندگی زناشویی در میان زنان و مردان متأهل شهر تهران، ۱۳(۱)، ۱۱۳-۱۴۰.
۱۹. زمانی، ساره؛ احدی، حسن؛ عسگری، پرویز (۱۳۹۳). رابطه طلاق عاطفی با تصویر بدنی و کمال‌گرایی، مطالعات روانشناختی، ۱۰(۴)، ۱۳۶-۱۱۹.
۲۰. زهراکار، کیانوش؛ اسماعیلی، عزیزالله؛ محسن‌زاده، فرشاد؛ هزاروسی، بهرام (۱۳۹۸). شناسایی عوامل زمینه‌ساز طلاق هیجانی در بافت فرهنگی اجتماعی شهر کرج، مشاوره و روان‌درمانی، ۹(۱)، ۱۴۲-۱۲۵.
۲۱. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، تهران: ندای آریانا.
۲۲. شجاعی جشوقانی، ریحانه؛ احمدی علون‌آبادی، سیداحمد؛ جزایری، رضوان‌السادات؛ اعتمادی، عذرا (۱۳۹۷). واکاوی معنایی آسیب‌های برآمده از فضای مجازی در روابط بین‌زوجین در شهر اصفهان، دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۳(۱)، ۶۲-۷۸.
۲۳. شعیری، محمد بن محمد (۱۳۶۳ق)، جامع‌الآخبار، نجف اشرف: نشر حیدری.
۲۴. شیخ حر عاملی (۱۴۰۹ق). وسائل‌الشیعه، قم: نشر آل‌البيت.
۲۵. شیخ صدوق (۱۴۱۳ق). من‌لا یحضره الفقیه، قم: نشر آل‌البيت.
۲۶. صالحپور، پرستو؛ قدسی، احقر؛ نوابی‌نژاد، شکوه (۱۳۸۹). اثربخشی شناخت‌درمانی مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر کاهش باورهای غیرمنطقی و طلاق عاطفی زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره تهران، مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۵(۶)، ۱۸۹-۲۱۵.
۲۷. صائمی، حسین؛ صادق‌مزگی، مرضیه (۱۳۹۶). پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و مؤلفه‌های رضایت زناشویی، فصلنامه دانش انتظامی سمنان، ۷(۲۵)، ۱۳۹-۱۵۸.
۲۸. صباغی، فاطمه؛ صالحی، کیوان؛ مقدم‌زاده، علی (۱۳۹۶). ادراک و تجربه زیسته زوجین از علل بروز جدایی عاطفی: مطالعه‌ای به روش پدیدارشناسی، پژوهش‌های مشاوره، ۱۶(۶۲)، ۳۱-۴.
۲۹. صمدی‌فرد، حمیدرضا؛ نریمانی، محمد؛ شیخ‌الاسلامی، علی؛ میکائیلی، نیلوفر (۱۳۹۵). نقش مؤلفه‌های اجتناب‌شناختی و باور فرارشناختی در پیش‌بینی طلاق عاطفی همسران، پژوهش‌های مشاوره، ۱۵(۵۹)، ۳۸-۵۷.
۳۰. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲). مکارم‌الأخلاق، قم: نشر آل‌البيت.
۳۱. عربی، مهدی (۱۳۹۶). بررسی رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی تحت موبایل با طلاق عاطفی زوجین (مورد مطالعه مراجعین به مرکز مشاوره آرامش‌ناجا و دفاتر مددکاری شهر اصفهان در سال ۹۶)، فصلنامه دانش انتظامی اصفهان، شماره ۱۲، ۴۰-۶۳.
۳۲. فروم، اریک (۱۳۸۹). هنر عشق ورزیدن، ترجمه پوری سلطانی، چاپ ۱۵، تهران: مروارید.
۳۳. فریبرز، زهرا؛ ساروخانی، باقر؛ حضرتی صومعه، زهرا (۱۳۹۸). بررسی جامعه‌شناختی رابطه اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی و طلاق عاطفی در خانواده‌های تهرانی، نشریه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۵(۱۶)، ۱۱۳-۱۴۰.
۳۴. قنبری بزیان، علی؛ درویشی، مریم (۱۳۹۵). بررسی تأثیر مصرف فضای مجازی بر دینداری و ارزش‌های خانواده، فصلنامه

- جامعه‌شناسی و مدیریت سبک زندگی، ۲(۸)، ۲۱۹-۲۵۴.
۳۵. باقرزاده سکه، مقداذ: اسکندری، حسین. (۱۳۹۴). رابطه بین کیفیت زندگی و سازگاری زناشویی در بین معلمان، تهران. همایش بین‌المللی علوم انسانی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی، مدیران ایده پردازان پایتخت ایلیا.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۳ق). اصول کافی، اصفهان: نشر مکتب امیرالمؤمنین علیه السلام.
۳۷. مازلو، ابراهام اج (۱۳۷۲). انگیزش و شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۳۸. مامی، شهرام؛ عسگری، میترا (۱۳۹۳). نقش تمایز یافتگی خود و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی طلاق عاطفی، همایش منطقه‌ای آسیب‌شناسی پدیده طلاق، سقز.
۳۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۰ق). بحارالانوار، جلد ۶۷، بیروت: مؤسسه وفا.
۴۰. محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق). قم: نشر آل‌البیت.
۴۱. محمدزاده ابرهیمی، علی؛ رحیمی پرونجانی، طیبه؛ مهری، فرهاد؛ برمبلی، احمد (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین پنج عامل بزرگ شخصیت و رضایتمندی زناشویی، فصلنامه تازه‌های مشاوره، ۹(۳۳)، ۱۶-۳۱.
۴۲. حاج محمدی، فرشته، و حاج محمدی، سمیرا. (۱۳۹۶). تأثیرات اخلاقی استفاده از فضای مجازی بر پیوند زناشویی و روابط فرزندان در خانواده. اخلاق، ۷(۲۸)، ۲۰۹-۲۲۴.
۴۳. برناردز، جان. (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر مطالعات خانواده، ترجمه حسین قاضیان. تهران: نشر نی.
۴۴. مغربی، قاضی نعمان (۱۳۸۳). دعائم‌الاسلام، قم: نشر دارالمعارف.
۴۵. مهدیزاده، حمید؛ بوالهیری، جعفر؛ کاویانی ارانی، محمد (۱۳۹۶). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون سبک زندگی اسلامی در نوجوانان دبیرستانی، مطالعات اسلام و روانشناسی، ۱۱(۲۱)، ۷-۳۴.
۴۶. نیک بخش، بهرام (۱۳۹۷). بررسی شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی به عنوان یک پدیده اجتماعی نوپدید و تأثیر آن بر کانون خانواده (مطالعه موردی: منطقه ۸ شهرستان اهواز)، جامعه، فرهنگ و رسانه، ۷(۲۷)، ۴۹-۶۳.
۴۷. وحید، فریدون؛ نیازی، محسن (۱۳۸۳). تأملی در مورد رابطه بین ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی در شهر کاشان، فصل‌نامه علوم اجتماعی، ۲۳، ۱۴۵-۱۱۷.
۴۸. نریمانی، محمد، رحیمی، سعید، و صداقت، مهناز. (۱۳۹۷). پیش‌بینی طلاق عاطفی زوجین براساس الگوهای ارتباطی خانواده و ساختار انگیزشی. روانشناسی خانواده، ۵(۲)، ۲۷-۳۸.
۴۹. هوشیاری، جعفر (۱۳۹۹). مرزهای خانواده و ساخت پرسشنامه آن بر اساس منابع اسلامی، رساله دکتری، جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع علوم انسانی اسلامی، رشته قرآن و روانشناسی.
50. Nichols, M. P. (2015). Concurrent discriminant validity of the Kansas marital satisfaction scale. *Journal of Marriage and the Family*, 48(2): 381-388.
51. Byers, E. S. (2011). Relationship satisfaction and sexual satisfaction. A longitudinal study of individuals in long-term relationships. *Journal of Sex Research*, 42(2): 113-118.
52. Breznsnyak, M., & Whisman, M. (2014). Sexual desire and relationship functioning: It's effect of marital satisfaction and power. *Journal of Sex and Marital Therapy*, 30(3): 199-217.
53. Barker, P. h., & Chang, J. (2013). *Basic family therapy*. Sixth Edition. John Wiley & Sons, Ltd.
54. Olson, David H., & Defrain, John (2006) *marriage and families*, New York: Mc Graw Hill.
55. Oprisan E, Cristea D. (2012). A few variables of influence in the concept of marital satisfaction. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 33, 468-472.
56. Benneer, D.G and Hill, P.C (1999), *baker encyclopedia of psychology and counseling*. Michigan: baker books.
57. Bradbury, T. N., Fincham, F. D., & Beach, S. R. (2000). Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. *Journal of marriage and family*, 62(4), 964-980.
58. Rosen-Grandon, Jane R, Mayers, Jane E, Hattie, John A (2004). The Relationship between marital characteristics, marital interaction processes and marital satisfaction, *Journal of counseling and development*, 82(1), 586-598.
59. Musai, M., Tavasoli, G., & Mehrara, M. (2011). The Relationship between Divorce and Economic-Social Variables in Iran. *British Journal of Arts and Social Sciences*, 1 (2), 89-93.